New Researches in the Studies of the History of Islam and Iran

Lorestan University

Online ISSN: 3060-7671

Spring and Summer 2024, 1 (1), 136- 147.

Systematization in Shahid Beheshti's thought by relying on political issues

Mohammad Hosein Kazemi ✉ [1] | **Mohammad Zare Bushehri**[2]

1. Corresponding Author, PhD in Islamic History, University of Bagher al-Olum, QOM, IRAN. E-mail: kmohamadhosein@ymail.com
2. Assistant professor, Islamic History Department, Faculty of History, University of Religions and Denominations, QOM, IRAN. E-mail: m.zare@urd.ac.ir

Article Info

Article type:
Research

Article history:
Received: 14 December 2023
Accepted: 12 March 2024
Published online: 10 September 2024

Keywords:
Shahid Beheshti, political issues, system building, freedom, collective work, unity.

ABSTRACT

Ayatollah Seyyed Mohammad Beheshti is one of the contemporary Islamic thinkers who spent several decades of his life developing the Islamic system. He was one of the key figures of the Islamic Revolution, who was particularly sensitive to issues such as organization and systematization. In this framework, the present article seeks to answer the question that "the position of systematization in Shahid Beheshti's thought is based on what political support?". This important issue will be reviewed with a combined descriptive-analytical method according to his written works and speeches, and this hypothesis will be strengthened that "systemization is necessary for a developed society". The findings of the research show that in Shahid Beheshti's intellectual system, it is not possible to reach the desired society without systematization. Therefore, in order to organize the desired system, he paid attention to key and important points such as collective and organizational work, unity and solidarity, freedom, giving importance to opponents, minorities and critics, and looking at the West and the East, and explained each of them comprehensively.

Cite this article: Kazemi, Mohammad Hosein. Zare Bushehri, Mohammad. Initial. (2024). Systematization in Shahid Beheshti's thought by relying on political issues, *New Researches in the Studies of the History of Islam and Iran*, 1 (1), 136-147.

© The Author(s).

Publisher: Lorestan University.

DOI: http//doi.org/10.22034/nriihs.2024.715468

پژوهش‌های نوین در مطالعات تاریخ اسلام و ایران

دانشگاه لرستان

شاپا الکترونیکی: ۷۶۷۱-۳۰۶۰

سال اول، شماره اول (پیاپی ۱)، بهار و تابستان ۱۴۰۳، ۱۳۶-۱۴۷.

نظام سازی در اندیشه سیاسی شهید آیت الله سید محمد بهشتی (ره)

محمدحسین کاظمی [۱] ✉ | محمد زارع بوشهری [۲]

۱. دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران. رایانامه: kmohamadhosein@ymail.com

۲. استادیار، گروه تاریخ اسلام، دانشکده تاریخ دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. رایانامه: m.zare@urd.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: ترویجی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۰۹/۲۳

پذیرش نهایی:
۱۴۰۳/۰۲/۲۳

تاریخ انتشار:
۱۴۰۳/۰۶/۲۰

چکیده

آیت‌الله سید محمد بهشتی از جمله اندیشمندان معاصر اسلامی است که چند دهه از عمر خود را صرف تکوین نظام سازی و تشکیل نظام اسلامی نمود. او از چهره‌های کلیدی انقلاب اسلامی بود که نسبت به مسائلی چون سازمان دهی و نظام‌سازی حساسیت خاصی داشت. در این چارچوب، نوشتار حاضر در پی پاسخ دادن به این پرسش است که «جایگاه نظام‌سازی در اندیشه شهید بهشتی مبتنی بر چه پشتوانه سیاسی است؟». این امر مهم با توجه به آثار مکتوب و گفتارهای باقی مانده از وی با روش ترکیبی توصیفی- تحلیلی مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت و این فرضیه نیز تقویت خواهد شد که «نظام‌سازی لازمه یک جامعه توسعه یافته است». یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در منظومه فکری شهید بهشتی رسیدن به جامعه مطلوب بدون نظام سازی ممکن نیست. بنابراین ایشان برای سازمان‌دهی نظام مورد نظر به نکات کلیدی و مهمی همچون کار جمعی و تشکیلاتی، وحدت و همبستگی، آزادی، اهمیت دادن به مخالفان، اقلیت‌ها و منتقدان و نگاه به غرب و شرق توجه نشان داده و هرکدام را به صورت جامع تشریح کردند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کلیدواژه‌ها:
شهید بهشتی، مسائل سیاسی، نظام‌سازی، آزادی، کار جمعی، وحدت.

استناد: کاظمی، محمدحسین، زارع بوشهری، محمد (۱۴۰۳). نظام‌سازی در اندیشه سیاسی شهید آیت‌الله سید محمد بهشتی (ره). پژوهش‌های نوین در مطالعات تاریخ اسلام و ایران، سال اول، شماره ۱ (۱)، ۱۳۶-۱۴۷.

ناشر: دانشگاه لرستان.

© نویسندگان.

CC BY NC

DOI: http//doi.org/10.22034/nriihs.2024.715468

۱. مقدمه

شهید بهشتی(ره) یکی از اندیشمندان اسلامی فعال در سطح جامعه بود که چند دهه از عمر خود را برای رسیدن به جامعه مطلوب و آرمانی مورد نظرش گذاشت. او در همین مسیر با نثار جان به دیدار حق شتافت. شهید بهشتی نقش فراوانی در تبیین اندیشه‌های اسلامی، انقلابی، کشف و تربیت نیروها و بسترسازی برای رشد آنان ایفا کرد که ثمره آن در پیروزی انقلاب اسلامی خود نمایی کرده است. وی به همین دلایل یکی از موثرترین چهره‌های انقلاب اسلامی است. او پس از پیروزی انقلاب اسلامی از افراد شاخص جریان انقلاب محسوب می‌شد که با کار تشکیلاتی درصدد حرکت به سمت تحقق جامعه اسلامی مطلوب خود بود. وجود این ویژگی‌ها در این شخصیت باعث شده تا پژوهش در مورد اندیشه‌های او برای سازماندهی و نظام‌سازی اهمیت فراوانی پیدا کند.

آیت‌الله بهشتی در طول فعالیت‌های خود نسبت به مسائل سیاسی تأمل جدی داشت. این نوشتار با توجه به ظرفیت خود می‌کوشد ضمن تعیین برخی از مسائل مهم سیاسی مورد توجه شهید بهشتی اندیشه ایشان را نسبت به نظام‌سازی مورد واکاوی قرار دهد. این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای، دیدگاه این اندیشمند را در خصوص جایگاه نظام‌سازی در جامعه مطلوب بررسی کرده و با تحلیل و تدقیق داده‌ها، یافته هایی ارائه می‌دهد.

تاکنون آثار فراوان و مهمی در مورد شهید بهشتی و اندیشه ایشان نوشته شده است. از جمله می‌توان به «اندیشه‌های شهید آیت‌الله بهشتی، بازشناسی یک اندیشه» (۱۳۸۰) اشاره کرد. این مجموعه برخی از اندیشه شهید بهشتی را مد نظر داشته است. نوشتار حاضر از زاویه دیگری به نظام‌سازی در اندیشه ایشان با تکیه بر مسائل سیاسی خواهد پرداخت که با مورد ذیل متفاوت است. همچنین تحقیقاتی در مورد نظام سازی انجام شده که دید ما را نسبت به مسئله پژوهش تکامل می‌دهد. ایوبی‌پور و عیوضی (۱۳۹۸) در مقاله «تعیین پیشران‌های تمدن‌سازی نوین اسلامی با رویکرد تحلیل تأثیر متقاطع» می‌کوشند تا پس از احصا مؤلفه‌های تمدن‌ساز با استفاده از روش تحلیل تأثیر متقاطع، مواردی مانند گفتمان‌سازی و اجماع اندیشه‌ای، امنیت پایدار، استقلال کشورهای اسلامی از نظام سلطه، وحدت کشورهای اسلامی، رفاه اقتصادی، رفع فقر و تولید ثروت، پیشرفت تکنولوژی و فناوری را به پیشران‌های تمدن‌سازی معرفی کنند. اما پژوهش ما تنها نظام‌سازی در مسائل سیاسی را در اندیشه شهید بهشتی(ره) مورد مطالعه قرار می‌دهد. البته این تحقیق علاوه بر مسائل سیاسی به مسائل دیگر نیز نظر دارد و حیطه مطالعاتی خود را فراتر از اندیشه‌های یک شخص قرار داده است. دهشیری و بهرامی (۱۴۰۰) به مطالعه «مؤلفه‌های الگوی سیاست خارجی تمدن‌ساز» پرداخته‌اند و در نهایت به الگویی از سیاست خارجی تمدن‌ساز می‌رسند که مستلزم توجه به مؤلفه‌هایی چون گفتمان‌محوری، جریان‌سازی، تقریب‌گرایی و عقلانیت محوری است. این مقاله از این جهت که به دنبال به دست آوردن الگوی سیاست خارجی است با پژوهش ما که در بخش نظام‌سازی، نگاه شهید بهشتی را به غرب و شرق مورد مطالعه قرار می‌دهد نزدیک است.

نوشتار حاضر از زاویه دیگری به نظام‌سازی در اندیشه سیاسی آیت الله بهشتی خواهد پرداخت که با موارد گفته شده تفاوت عمده‌ای دارد.

۲. جامعه مطلوب و نظام‌سازی

در بافتار فکری شهید بهشتی، رسیدن به جامعه مطلوب بدون نظام‌سازی ممکن نیست. بنابراین ایشان برای سازماندهی نظام مورد نظر به نکات کلیدی توجه کردند و در گفتار و نوشتار خود انعکاس می‌دادند. محورهای مهم

اندیشه ایشان در این راستا با عناوین تشکیلات سازی و کار گروهی، اتحاد و همبستگی، آزادی، توجه به حقوق اقلیت‌ها و مخالفان، استقلال و بهره‌مندی از تجربه ملت‌ها طرح می‌گردد.

۲-۱. ایجاد تشکیلات و کار گروهی

شهید بهشتی در راستای نظام‌سازی به ضرورت کار گروهی و تشکیلاتی عمل کردن تأکید داشت و با انجام کارها به صورت فردی و جزیره‌ای مخالف بود. اینکه کارها بر شخص خاصی تکیه داشته باشد را نمی‌پسندید و آن را از معایب هر کاری می‌دانست و محدودیت به حساب می‌آورد. او معتقد بود: «این فکر را در خودتان بکُشید که تلاش‌های شما و پیشرفت تلاش‌ها بستگی دارد به حسن یا حسین، به این شخص یا آن شخص. بدانید اسلام این را می‌گوید: شما بندگان خدای جهانید و شما انسان‌هایی هستید که میدان تلاشتان جهان است، این قدر خودتان را محدود نکنید. وقتی قرار باشد شما در محدوده خانه و در شهر و وطن نباشید، چطور محدود به یک فرد و یک موسسه می‌شوید؟» (بهشتی، ۱۳۸۸: ۳۲).

در فضای سرخوردگی عمومی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، آیت‌الله بهشتی به دلایل این شکست می‌اندیشید. یکی از نتایج مهم دیدگاه او، اعتقاد به کار تشکیلاتی بود. آیت‌الله بهشتی معتقد بود در این مبارزات هر دو رهبر نهضت ملی شدن صنعت نفت یعنی مصدق و کاشانی از کادر سازمان یافته و تشکیلاتی منسجم بی‌بهره بودند؛ حتی مصدق که تشکیلات جبهه ملی را تأسیس کرده بود (شیر علی نیا، ۱۳۷۹: ۳۳). این نتیجه‌گیری باعث شد تا شهید بهشتی برای فعالیت مفید در جامعه، فکر تشکیل یک حزب یا گروه را در سر داشته باشد. او در این باره می‌گوید: «خود من از سال‌ها پیش فکر ایجاد یک حزب و جمعیت سیاسی اسلامی بودم، به خصوص پس از سال ۳۲ و کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و تجربه‌ای که از نهضت ملی ایران در سال‌های ۲۹ تا ۳۲ به دست آوردم، سخت به این معنا معتقد بودم که باید نیروهای ما به کل یک تشکیلات سیاسی فعال در بیایند». (واحد فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۶۱: ۴۵۱-۴۵۰).

شهید بهشتی به ویژگی‌های مثبت کار جمعی توجه داشت و دیگران را به این مهم دعوت می‌کرد؛ به عنوان نمونه او برای مقابله با جریان تبلیغاتی مخالفان می گفت: «بهترین راه مبارزه با گروه‌های شرقی و غربی، این است که خودمان متشکل بشویم. آن‌ها از خلأ استفاده می‌کنند. میدان را با عمل صالح و متشکل از دست آن‌ها بگیرید. ببینید آن‌ها بدون استفاده از رادیو و تلویزیون، شایعات و دروغ‌های‌شان را می‌آیند در سطح جامعه پخش می‌کنند، اما به کمک چه؟ تشکل، ستاد مرکزی دروغ بافی تصمیم می‌گیرد که یک دروغ در ایران منتشر بشود، فردا عصر توی روستاهای دور افتاده این دروغ رسیده است، ولی شما هفته‌ها تنها می‌آیید و می‌گویید چه کنیم؟! خوب برادرها، خواهرها! راه روشن است؛ متشکل شوید تا بتوانید نقشه‌های دشمن را نقش بر آب نمایید» (بهشتی، ۱۳۷۲: ۱/ ۸۵). به همین دلیل از ابتدای فعالیت‌های خود به کار جمعی و تشکیلاتی تمایل فراوان داشت و حتی در کارهای علمی و پژوهشی به همین رویه عمل می‌کرد. او در سال ۱۳۳۸ برای تحقیق پیرامون حکومت اسلامی، تشکیلاتی به وجود آورد (شیر علی نیا، ۱۳۷۹: ۳۵). به روایت محمد یزدی، شهید بهشتی با تقسیم وظایف هر کدام از افراد، برنامه‌ای طراحی کرده بود تا منابع، جمع آوری، فیش برداری و تدوین شود و حاصل کار به صورت یک کار علمی و دانشگاهی ارائه شود. آقایان موسوی اردبیلی، مهدوی کنی، مشکینی، حجتی کرمانی، عمید زنجانی، هاشمی رفسنجانی، مصباح یزدی و تعدادی دیگر از اعضای این جمع بودند (سرا بندی، ۱۳۸۷: ۳۳-۳۲). غیر از این افراد شهید بهشتی گروهی از مبارزان غیر روحانی

را در تحقیق پیرامون حکومت اسلامی شرکت داده بود که آنان پس از هر مرحله برای ارائه گزارش به قم می‌آمدند (رودسری، ۱۳۹۰: ۱۲٤). شهید بهشتی با همین رویکرد در دو سال آخر دهه ۱۳۳۰ کانون اسلامی دانش آموزان و فرهنگیان در قم را تأسیس کرد که با همکاری آقایان مفتح و نوری همدانی به نتیجه رسید (شیرعلی نیا، ۱۳۷۹: ۳٦). به روایت آیت‌الله بهشتی این تشکیلات «اولین مجمع اسلامی زنده بود که در آن طلبه، دانشجو، معلم، دانش‌آموز و گروه‌های مختلف با هم جمع می‌شدند» (شعبانی، ۱۳۸۷: ۷۰).

شهید بهشتی سرانجام پس از پیروزی انقلاب موفق به تأسیس حزب شد. از نظر او حزب باید بر دو پایه اصلی استوار باشد؛ حزب باید اسلامی بوده و دوم تشکلی متعلق به همه مردم باشد (بهشتی، ۱۳۹۱: ۲۹٦). او دیدگاه خود را در مورد حزب این‌گونه بیان می‌کرد: «حزب یعنی گرد هم آمدن و سازمان یافتن افرادی که همدیگر را می‌شناسند، به همدیگر اعتماد دارند و به اسلام معتقد هستند. اسلام را به عنوان یک دین و یک نظام اجتماعی، اقتصادی و معنوی قبول دارند. بر پایه این مفروضات خواهان تشکیل حکومتی بر طبق دین اسلام هستند» (بهشتی، ۱۳۹۱: ۵۰). او همچنین از حزب، کار تشکیلاتی و دارای طرح و برنامه‌ریزی و موضع‌گیری‌های هماهنگ عملی و نظری را مد نظر داشت و معتقد بود از این جهت بسیار مفید و ضروری است (شیرعلی نیا، ۱۳۷۹: ۱۳۹).

شهید بهشتی نظم و ترتیب در کارهای تشکیلاتی را رمز موفقیت آن می‌دانست و در مورد عواقب بی‌نظمی به دیگران هشدار می‌داد (بهشتی، ۱۳۸٦: ۱۳۲؛ معادیخواه، ۱۳۸۰/۹/۲۷). علاوه بر آن آیت‌الله بهشتی به هماهنگی با کل مجموعه و التزام به تصمیمات جمعی تأکید ویژه‌ای داشت؛ او از آن افرادی نبود که بخواهد در قالب یک تشکیلات حرف‌های خود را به کرسی بنشاند و خلاف تصمیم‌های جمعی عمل کند. به عنوان نمونه می‌توان به منتفی شدن نامزدی او برای ریاست جمهوری اشاره کرد که پس از آن، حزب جمهوری اسلامی در جلساتش به نامزدی جلال الدین فارسی رأی داد. فارسی گزینه مطلوب شهید بهشتی نبود و مخالفت‌هایش را در جلسه مطرح کرد. وقتی اکثریت با کاندیداتوری فارسی موافقت کردند، دکتر بهشتی هم موافقت نمود (شیرعلی نیا، ۱۳۷۹: ۱۸٤-۱۸۳). بیرون از جلسه اما به کار حزبی و جمعی اعتقاد داشت و به شدت از فارسی دفاع می‌کرد (مومنی، ۱۳۸۹: ٤۸- ۵۱).

شهید بهشتی به آسیب‌هایی که در کارهای حزبی و تشکیلاتی به وجود می‌آید آگاه بود و تلاش می‌کرد همچنان که ایده‌ها و برنامه‌های مطلوب را پیش می برد، افراد را از آسیب‌های کار حزبی آگاه کرده و از آن بر حذر دارد. ایشان در این باره گفته‌اند: «یک گروهی که طالب قدرت هستند. دار و دسته راه می‌اندازند که به قدرت برسند و میراث انقلاب را میان خودشان تقسیم کنند، حزب به این معنا چیز خطرناکی است، چیز بدی است، چیز مزاحمی است» (بهشتی، ۱۳۷۲: ٦/ ۱۰۲).

۲-۲. اتحاد و همدلی

نکته دیگری که شهید بهشتی به آن توجه فراوانی داشت، اتحاد و همبستگی بود و آن را برای تحقق اهداف بلند مردم لازم و ضروری می‌دانست. او معتقد بود که در پرتو این مورد، خودکامگی از جامعه رخت خواهد بست و به حقوق کسی تجاوز نخواهد شد. او مردم را به این مسئله دعوت می‌کرد و در تلاش برای آگاه ساختن آنان می‌گفت: «شما زمانتان را درک کرده‌اید، عالم به زمان شده‌اید، این خود آگاهی و این فداکاری و از خود گذشتگی و این حضور آگاهانه را حفظ کنید. آن وقت نظام سیاسی، قانون اساسی، به صورت یک دستگاه گردش خون منظم و دقیق، چنان کار

خواهد کرد که دیگر احدی هوس دیکتاتوری، حق کسی و تجاوز را به دل راه ندهد» (بهشتی، ۱۳۷۲: ۳/ ۹۳). آیت‌الله بهشتی پیوند روحی، عاطفی و اجتماعی اسلامی که پیمان ولاء اسلامی است را برترین ابزار پیوند و اتحاد جامعه اسلامی می‌دانست (جمعی از نویسندگان، بی‌تا: ٤٠).

شهید بهشتی به شدت حامی اتحاد میان جهان اسلام و پرهیز از هرگونه تنش میان مسلمانان بود و معتقد بود که «اسلام مهم‌ترین مسئله است و ضرورتی ندارد به خاطر تشیع‌مان با اهل سنت درگیر شویم تا دشمن مشترک مسلمان‌ها سودش را ببرد» (اژه‌ای، ۱۳۸۰: کاست/ ۱۲۰۵). این رویکرد از همان ابتدای فعالیت در ایشان قابل مشاهده است. به صورتی که گاهی اشهد ان علیا ولی الله را در اذانش نمی‌گفت. این رویکرد دکتر بهشتی حاشیه‌هایی در پی داشت و او را هدف شایعات و اتهامات بخشی از جامعه مذهبی قرار داد و حرف و حدیث زیادی پیرامونش ساخته شد (شیرعلی نیا، ۱۳۷۹: ٦٠).

۲-۳. آزادی و جامعه مطلوب

آزادی و به دست آوردن آن نه تنها ذهن شهید بهشتی را به سمت خود سوق می‌داد، بلکه یکی از انگیزه‌های فعالیت‌های او در طول عمرش بود. آیت‌الله بهشتی بارها در سخنانش به مسئله آزادی اشاره کرده و آن را بزرگ‌ترین شعار اسلام معرفی می‌کرد: «اسلام دین آزادگان و احرار است. از دید اسلام انسان تا آزاد نباشد انسان نمی‌ماند» (بهشتی، ۱۳٦۱: ۱۱٤-۱۱۳). او معتقد بود زبان، ادبیات، فرهنگ، هنر، آداب و رسوم هر قوم، آزاد و محترم است و مردم باید در استفاده از زبان ملی، ادبیات، فرهنگ هنر خود آزاد باشند (جمعی از نویسندگان، بی‌تا:٤٠). شهید بهشتی آزادی را به معنای رها شدن از بی‌حد و حصر قلمداد نمی‌کرد و آن را در پرتو تعالیم اسلام می‌جست. معتقد بود آزادی در اسلام، آزاد کردن اندیشه از همه قیود نیست، بلکه رفتن در قید خداوند است (بنیاد اندیشه و آثار شهید بهشتی، ۱۳۸۱: ۲۸) که در نتیجه انسان در آزادی خود را منوط به فرمان خدا می‌کند و خلاف آن خود را مجاز به انجام کاری نمی‌بیند. در نگاه او تفکر اسلامی با تفکر غرب که حامی آزادی بی‌ضابطه است و تفکر شرق که محدودیت را سرلوحه دارد تفاوت داشت (جمعی از نویسندگان، بی‌تا: ۳٦).

از نظر او آزادی عقیده امری است طبیعی، زیرا اعتقاد و باور قابل تحمیل نیست. با زور و تهدید و اکراه و تطمیع نمی‌توان عقیده‌ای را به دیگری منتقل ساخت یا از او سلب کرد. تنها بحث، استدلال، تجزیه و تحلیل و نظایر این‌ها است که می‌تواند وسیله ایجاد و سلب بقیه باشد (جمعی از نویسندگان، بی‌تا: ۳٦). آیت الله بهشتی در آزادی‌های سیاسی، آزادی تشکل و احزاب، آزادی بیان، آزادی در سخنرانی، آزادی مطبوعات، آزادی در نوشتن و پخش کتاب، آزادی پخش روزنامه و مجلات و آزادی در پخش اعلامیه‌ها مواضع و ملاحظاتی داشت که به شرح زیر است:

۱- آزادی در بیان آراء عقاید و افکار: انتقاد سازنده و دلسوزانه از مسئولان در تمام سطوح برای همه؛ البته انتقاد سازنده و دلسوزانه، نه مغرضانه آزاد است.

۲- آزادی در بیان افکار و اندیشه: بیان شبهات و اشکالات درباره اصول عقاید اسلامی در جامعه جمهوری اسلامی به یک شرط آزاد است؛ به شرط آنکه همراه باشد با پاسخی روزنگر و توضیحات کافی به این شبهات.

آیت‌الله بهشتی بیان کرد: «اگر کسی آمد در جامعه، میکروب پخش کرد، به شرطی که از قبل واکسن پخش شده باشد، عیبی ندارد. بیان افکار و اندیشه‌ها اگر در چهارچوب اسلام باشد، به طور کلی آزاد است؛ ولی اگر صد در صد اسلامی نباشد، باید در فضایی آزاد نقد و بررسی شود تا

مـردم آزادانـه گـوش دهنـد و انتخـاب نماینـد» (روزنامـه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۱۱/۳۰). در نگاه او تنها مرزی که برای آزادی احـزاب، گروه‌هـا، نشـریات و آزادی بیـان و قلـم وجود دارد، این است که: «بایـد بـه اصـول اسـلامی ضـربه نزنند؛ بایـد بـه سـلامت محـیط اجتمـاعی از نظـر عفـت و اخلاق ضـربه نزننـد» (بهشـتی، ۱۳۶۲: ٤). شـهید بهشـتی عفت و پاکدامنی جامعه را مانند نظم عبور و مرور مهـم مـی دانست و عنوان می‌کرد: «همان‌طور کـه نظـم عبـور و مـرور محترم است، عفت و پاکدامنی در جامعه اسلامی هـزار بـار از آن محترم‌تر است و این جز با حضور متعهدانه و مسئولانه مردم جامعه ما [میسر] نخواهد بود» (بهشتی، ۱۳۶۲: ٤).

۲-٤. حقوق مخالفان، اقلیت‌ها و منتقدان

آیت‌الله بهشتی در طول دوران فعالیت خود تلاش کرد تمام ظرفیت‌های جامعه را در نظر بگیرد تـا از آنـان بـرای رشـد و اعتلای حرکت جامعه بهره ببرد. با توجه به اینکه جامعه ایران در آن زمان از لحاظ فکری یک جامعه یکدسـت و یکپارچـه نبـود و طیف‌هـای مختلـف فکـری و مـذهبی در آن وجـود داشت، زمینه برای همراهی، انتقاد و حتی مخالفت و عناد بـا حرکت مطبوع شهید بهشتی وجود داشت. رویکرد آیـت‌اللـه در قبال این طیف‌ها، یک رویکرد سلبی صرف نبود؛ بـه ایـن صورت که هر کسی را که مخالف خود می‌دید از همان ابتدا و به صورت مطلق نفی کند، بلکه بـه گونـه‌ای بـود کـه ابتـدا وجود آنان را در جامعه باور داشت و به رسمیت می‌شناخت. مانند نگاه او بـه حامیـان نگـرش لیبرالیسـتی در جامعـه کـه معتقد بود چنـد میلیـون نفـر در ایـران زنـدگی می‌کننـد کـه حکومـت لیبرالـی را می‌پسـندند (بهشـتی، ۱۳۸٦: ک ۱/۳٤۷). اگر هم از جانب آن گروه مسئولیتی بر عهده آیـت‌الله بهشتی بـود، تـلاش داشـت تـا آن مسـئولیت را بـه نحـو احسن به انجام رساند. به عنوان نمونه در مصاحبه مطبوعاتی ۲٦ مهر ۱۳۵۹ خبرنگاری به نام مردوخی کردستانی راجع به دادگستری کردستان و کمبود قضات در آنجا و همچنین راکد ماندن کارهای دادگستری سؤال کرد. دکتر بهشـتی در پاسـخ گفت: «این صحیح است و به موازات ثبات بیشتر در منطقه، باید به این تغییرات دست زد. فعـلاً دادگـاه انقـلاب در آنجـا کـار می‌کنـد و دادگسـتری آنجـا را براسـاس فقـه شـافعی پایه‌گذاری خواهیم کرد و به هر حال باید به دادگستری آنجـا سر و سامانی داده شود» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹: ۱۲).

در مسائل اختلافی هم شـهید بهشـتی بـه شـدت طرفـدار گفت و گو بود؛ آن هم گفت و گو در شرایطی که باعث فهم و درک مشترک و متقابل شود و حداقل دست آوردش شـناخت و زمینه‌سـازی بـرای رفـع اختلافـات باشـد. او در ایـن بـاره می‌گفت: «وقتی می‌خواهیم با هم حرف بزنیم جوری حـرف بزنیم که بتوانیم به حرف هم خـوب گـوش بـدیم. مـن واقعـاً ببینم نقطه نظـر شـما چیسـت، شـما ببینیـد نقطـه نظـر مـن چیست و بسا اگر شما در یک زمینه برداشت اشتباه داشتید از اشتباه در بیایید، اگر من در زمینه‌ای برداشت اشتباهی داشتم از اشتباه در بیاییم» (بهشتی، ۱۳۸٦: ۱/ ۵۱۸). او به تأسی از امام خمینی(ره) آن دسته از افراد منتقد و مخالفی را که از سـر دلسوزی و برای اصلاح امور سخن می‌گفتند را به همکاری و رفع نواقص دعوت می‌کرد و از آنان می‌خواست تا برای رفـع کاسـتی‌ها پیش‌قـدم شـوند (بهشـتی، ۱۳۸٦: ۳/۱۱۱-۱۱۲). آیت‌الله بهشتی با همه سعه صدری کـه در مقابـل مخالفـان، منتقدان و اقلیت‌ها از او نقل شده اگر در مقابل افراد معاندی قرار می‌گرفت که راه دشمنی بـا اسـلام و انقـلاب و مـردم را پیش می‌گرفتند و تن به اصـلاح و مصـالحه نمـی‌دادنـد، بـه مبارزه بر می‌خواست. اما به گفته خودش باز هم سخن گفتن اصلی‌ترین صلاح او در این مبارزه بود.

۲-۵. استقلال و بهرمندی از تجربه ملت‌ها

نگاه آیت‌الله بهشتی به غرب و شرق حاصل مطالعه و تـدبر در جهان و فضای فکـری حـاکم بـر آنـان اسـت و رابطـه‌ای

مستقیم با علم و معرفت نسبت به آنان دارد. به همین دلیل آیت‌الله بهشتی هنگام ارزیابی دچار افراط و تفریط یا نگاه یک جانبه نمی‌شد. به این صورت که آنان را یکسره سیاه یا سفید ببیند و درصدد تسلیم به غرب و یا نفی آنان برآید و یا در دام التقاط گرفتار شود. او می‌کوشید تا با دیدی عالمانه همزمان نکات مثبت و منفی را با هم در نظر بگیرد. در نتیجه مسائلی مانند نفی استبداد، مشارکت مردم در حکومت و خردگرایی غرب را از نکات مثبت و قابل توجه غرب می دانست (بهشتی، ۱۳٦۱: ٦۸-٦۷؛ بهشتی، ۱۳۸۰: ۱۲۳). در مقابل، شهید بهشتی مسائلی همانند جدایی دین در مسائل سیاسی و اجتماعی و بروز برخی از نابرابری و نابسامانی‌های فرهنگی و اقتصادی را منفی و ناشایست قلمداد می‌کرد (بهشتی، ۱۳٦۱: ۷٦-٦۸).

شهید بهشتی هنگام مقایسه اسلام با غرب تلاش می‌کرد اسلام را به عنوان یک نظام فکری متشخص و مستقل معرفی کند که چهره‌ای متمایز از غرب دارد. او می‌کوشید تا این تمایز را در مسائل مختلف جامعه نشان دهد. به عنوان نمونه او در بحث آزادی بیان معتقد بود «جامعه اسلامی، نه چون جامعه‌های دربسته اردوگاه مارکسیسم است که انسان‌ها را در پشت دیوارهای آهنین نگه دارد و نه چون جامعه‌های لیبرال غربی است که بازار مکاره عرضه بی‌ضابطه آراء و افکار باشد و در این باره به راستی، جامعه اسلامی نه شرقی است و نه غربی» (جمعی از نویسندگان، بی‌تا: ۳٦).

آیت‌الله بهشتی در مسائل معرفتی علاوه بر نشان دادن تمایز میان اسلام و دیگران معتقد بود که اسلام نگاهی فراتر به مسائل دارد و به همین منظور در مقام ارزشیابی در رده بالاتری قرار دارد. وی در مسئله انسان و کار معتقد بود مارکس انسان را فرزند کار و عمل می‌کند و قبل از او هگل با همان ایدئالیسم خویش چنین کرد. ولی اسلام فراتر و جامع‌تر از همه، انسان را ساخته عمل معرفی می‌نماید و این مسئله در روایات اسلامی مکرر گفته شده است (بهشتی، ۱۳۸٦: ۳٤).

دکتر بهشتی در مسائل مربوط به مشکلات سرمایه و نیروی کار راه‌کارهای برگرفته از اسلام را دارای نوآوری و متمایز از غرب می‌دانست و بر این باور بود که راه حل‌هایی که برای این مشکل در نظام اقتصادی ما به وجود آمده است راه‌حل‌های نو و تازه‌ای است که با خط کلی انقلاب ما که خط اسلام و خط نه شرقی، نه غربی است هماهنگی دارد (بهشتی، ۱۳۷۸: ٤۳۸). تمایز و تشخص اسلام در اندیشه شهید بهشتی در کنار نگاه معقول او به فرهنگ و تمدن غرب باعث شده تا ارتباط سنجیده‌ای با دنیای غرب در نظر داشته باشد. البته در این رهگذر توجه فراوانی به استقلال و عدم وابستگی به غرب داشته و این مسئله در سخنان اش به روشنی دیده می‌شود. او در سخنان خود بارها مسئله عدم وابستگی به غرب را بیان کرده است.

شهید بهشتی به عنوان یک شخصیت روحانی و اسلام شناس در مسئله وابستگی، بیشترین توجه را به وابستگی فرهنگی دارد و نسبت به آن هشدار داده است. او آن را خطری برای جوانان به عنوان نیروی محرک جامعه دانسته و معتقد است ریشه اصلی وابستگی یک جامعه در وابستگی فرهنگی آن نهفته می‌شود. آیت‌الله بهشتی معتقد است وابستگی‌های اقتصادی براساس وابستگی‌های فرهنگی به وجود می‌آید (بهشتی، ۱۳٦۱: ۱۳۳-۱۳۲). شهید بهشتی یکی از آسیب‌های جامعه اسلامی زمان خود را وابستگی آموزشی دانسته و غرب را طراح این مسئله می‌داند. وی در این باره گفته است: «ده‌ها سال است که جامعه، مصرف کننده فرهنگ و آموزش وارداتی است. جهان خواران برای محکم کردن پایه‌های استعمار سیاسی و اقتصادی خود، به استعمار فرهنگی متوسل می‌شوند. وقتی مردم ما در نوع خوراک و پوشاک و معماری و شهرسازی، خانه‌سازی و

برنامه درسی، آموزش و پرورش، هنر و هر چه از این قبیل است، مقلد غربی‌ها شوند و... جای پای غرب جهان خوار در این کشور محکم می‌شود و این همان بلایی است که غرب در صد و پنجاه سال اخیر بر سر ما آورده است» (جمعی از نویسندگان، بی‌تا: ٤١).

آیت‌الله بهشتی انقلاب فرهنگی ابتدای انقلاب اسلامی را اعلام استقلال و عدم وابستگی فرهنگی نسبت به غرب و شرق دانسته و در این باره بیان کرده است: «ما با انقلاب فرهنگی خود اعلام کردیم که ای آمریکا، ای اروپای شرقی، ای دنیای غیر اسلام، ما می‌خواهیم فرهنگمان اسلامی باشد تا انسان‌های ما به راستی انسان‌های مستقلی باشند و روی پای خود بایستند» (بهشتی، ١٣٦١: ١٣٢-١٣٣). البته این استقلال طلبی و تأکید بر عدم وابستگی به غرب و شرق باعث نشده تا او به طور مطلق رابطه با این دو قدرت را نفی کند و حتی نفی ارتباط با غرب و شرق در نظر او مذموم است.

آیت‌الله بهشتی افرادی را که دم از قطع رابطه می‌زنند را مورد انتقاد قرار داده و می‌گوید: «آن مقدس مآبی سیاسی که ما با هیچ خارجی تماس نگیریم مبادا مردم بگویند که این‌ها با خارجی‌ها حرف می‌زنند من این را یک ضعف می‌دانم و هیچ فرد و گروهی را که به این ضعف دچار باشد دارای عزت و توانایی و قدرت برخاسته از توحید و ایمان به خدا نمی‌یابم» (بهشتی، روزنامه اطلاعات، ١٣٥٨/١٢/٢: ٢). ارتباط با شرق و غرب در نگاه بهشتی دارای ضوابطی است که با منافع کشور ارتباط مستقیم دارد. حفظ استقلال و عدم وابستگی کشور اولویت او در این زمینه است. او درباره این موضوع بیان کرده است: «موضع ما در سیاست خارجی، این است که جامعه مسلمانان، جامعه استقلال کامل است. ما مسلمان‌ها روی دو تا پای خودمان بدون تکیه دادن به هیچ غول و غول بچه دنیا، می‌خواهیم بایستیم و غول بچه‌ها برای ما ترس‌آور نیستند» (بهشتی، ١٣٧٢: ٦/ ٣٨). شهید بهشتی در ملاقاتی که با سفیر آلمان غربی داشته استقلال را به عنوان سخن و پیام اصلی خود مطرح کرده است (بهشتی، ١٣٦١: ١٦).

آیت‌الله بهشتی معتقد بود که برای حفظ استقلال در مواجهه و ارتباط با شرق و غرب نباید تسلیم فشارهای احتمالی آنان شد. باید با شجاعت در مقابل زیاده خواهی آنان ایستاد و از تهدیدها نهراسید. او در سخنرانی ۹ اردیبهشت ١٣٥٩ گفت: «ما راست قامتان جاودانه تاریخ خواهیم ماند، تنها موقعی سرپا نیستیم که یا کشته بشویم یا زخم بخوریم و بر خاک بیفتیم والا هیچ قدرتی پشت ما را نمی‌تواند خم کند.» (بهشتی، ١٣٨٦: ١/ ٥٥٥). وی همچنین در دیدار سفیر انگلستان در اوایل اردیبهشت ١٣٥٩ هنگامی که خواستار تعیین تکلیف سریع گروگان‌های آمریکایی شده بود گفت: «انقلاب ما انقلاب آرمان‌ها است نه انقلاب تسلیم به واقعیت‌ها. ما انقلاب کردیم که واقعیت‌ها را عوض کنیم، نه اینکه واقعیت‌ها را هرچه هست بپذیریم. سفیر گفت محاصره اقتصادی می‌شوید. بهشتی گفت قرارمان این است که انقلاب پیش برود؛ نان و پنیر خودمان در همین مملکت به دست می‌آید. سفیر گفت که دخالت نظامی می‌کنند و ممکن است به یک جنگ تمام عیار تبدیل شود» (بهشتی، ١٣٨٦: ١/ ٥٥٣- ٥٥٤). آیت الله بهشتی ارتباطی را مطلوب دانسته که در آن علاوه بر حفظ استقلال، برای کشور و جامعه مفید باشد. وی این مواضع خود را به صراحت بیان کرده و می‌گوید: «با هرگونه ارتباط با شرق و غرب که جنبه کمک خواهی از آن‌ها یا جنبه تبانی و سازش با آن‌ها داشته باشد همیشه مخالف بوده و خواهم بود و هیچ وقت هم نداشته‌ام و اگر آن‌ها بخواهند با ما ارتباط بگیرند و تقاضای ملاقات کنند، مطالعه می‌کنیم. اگر دیدیم این ارتباط لازم و مفید یا جایز است خودداری

نکرده و می‌پذیریم. اگر دیدیم مضر و در مظان زیان و ضرر است نخواهیم پذیرفت» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۲/۲: ۲).

شهید بهشتی خود در این زمینه پیش قدم بوده و در دیدارهایی که با طرف‌های خارجی داشته ضمن تأکید به استقلال به سرعت پی‌گیر منافع کشور بوده است. شهید بهشتی در مورد دیدار خود با هنری پرشت و بروس لینگن دو مقام آمریکایی که به ملاقات او آمدند می‌گوید: «به او گفتند که به مناسبت دیدار با حضور او و آقای منتظری برگزار شود و وقتی پرسید و شنید که آقای منتظری با دیدار موافقت کرده است او نیز موافقت کرد؛ به مجلس خبرگان آمدند. آقای منتظری آن روز دچار کسالت بودند و نتوانستند شرکت کنند، فقط من بودم، صحبت شد. طبق تعارفات معمول آن دیپلمات گفت ما آمده‌ایم تا مراتب مودت و دوستی ملت و دولت آمریکا را نسبت به ملت و دولت ایران به عرض برسانیم و از این تعارفات... گفتم این مطلبی که می‌گویید و حمایت لفظی شما هم شعار است، عمل شما خلاف این است. گفتند مثلاً چی؟ گفتم اول آنکه قبول شاه در آمریکا توهین بزرگی به ملت ایران است. اینجا کمی تند و قاطع سخن گفتم؛ دوم آنکه لوازم یدکی مورد نیاز ما را که پیش شماست نمی‌دهید. این همان استعمار همیشگی است؛ استعمار اقتصادی است که ماشین می‌دهد و تا آخر عمر از نظر لوازم یدکی، جامعه‌ای را برده خود می‌کند (بردگی اقتصادی) گفتند نخیر ما تصمیم گرفتیم بدهیم. این دیدار هم خیلی کوتاه بود و تمام شد» (شعاع حسینی، ۱۳۹۲: ۳/ ۱۲۱-۱۲۲). شهید بهشتی همواره گزارشی از ملاقات‌های خود با طرف‌های خارجی را در اختیار دیگران قرار می‌داد تا مردم و صاحب نظران از جریان دیدارهای خارجی او مطلع شوند. این رفتار ریشه در باور او به شفاف‌سازی در روابط خارجی داشت. البته شفافیت حساب شده تا هم منافع کشور تأمین شود و هم مردم و صاحب نظران در جریان قرار بگیرند. شاید به همین دلیل او اعتراض به اصل ملاقات بازرگان و برژینسکی را منطقی نمی‌دانست و می‌گفت: «بهتر است گزارش حرف‌های مطرح شده به مردم یا شورای انقلاب داده شود» (بهشتی، ۱۳۸٦: ۱/ ۲۹٤).

شهید بهشتی علاوه بر حفظ استقلال و تأمین منافع جامعه اسلامی به گسترش فرهنگ و تمدن اسلام در جهان می‌اندیشید. این مسئله ریشه در آشنایی او با فضای حاکم بر جوامع غربی داشت که باعث شد تا شهید بهشتی به جامعه غرب به عنوان یک فرصت برای تبلیغ اسلام نگاه کند. او تصمیم داشت با تأسیس مراکز اسلامی در مناطق مختلف جهان و تربیت مبلغ و اعزام به این مراکز، زمینه را برای تبلیغ بین‌المللی اسلام فراهم کند. آیت‌الله مصباح یزدی می‌گوید: «یکی از طرح‌هایی که بهشتی پس از بازگشت از آلمان در ذهن داشت، گسترش تبلیغات اسلامی در جهان بود. می‌خواست چهار مرکز اسلامی در ژاپن، فرانسه، انگلستان و آلمان تأسیس کند. می‌گفت الان باید به فکر تربیت نیرو برای این مراکز باشیم. وقتی کاری را می‌خواست شروع کند نمی‌آمد اول ساختمان را بسازد و بعد بنشیند حالا محتوا چه باشد. گفته بود ۵ نفر برای این کار معرفی کنند» (صنعتی، ۱۳۸۹: ۲۱۸).

۳. نتیجه‌گیری

شهید بهشتی به عنوان یک فعال و مبارز که سال‌های زیادی برای تحقق آرمان‌ها و اهداف خود تلاش کرد، در قبال مسائل مهم دارای رویکردها و جهت‌گیری‌هایی بود که در گفتار و رفتار او نمایان است. در این تحقیق تلاش شد با مراجعه به آثار شهید بهشتی و سخنان دیگران، رویکردهای وی نسبت به نظام‌سازی در اندیشه او و با توجه به مسائل سیاسی مورد مطالعه قرار گیرد. ذیل پنج موضوع این مسائل

بررسی شد: کار جمعی و تشکیلاتی، وحدت و همبستگی، آزادی، توجه به مخالفان و اقلیت‌های دینی و نگاه به غرب.

نتایج این پژوهش حاکی از آن است که وی کار جمعی و تشکیلاتی را می‌پسندید و از کارهای فردی و جزیره‌ای و شخص محور دوری می‌کرد و ریشه ناکامی‌های گذشته را در آن می‌دید. او سال‌ها در اندیشه تأسیس حزب بود و افراد را ملزم به پیروی از تصمیمات حزبی و پرهیز از قدرت‌طلبی دعوت می‌کرد. آیت‌الله بهشتی بر این باور بود که اسلامی بودن و متعلق بودن به همه مردم دو رکن اساسی حزب است. وحدت در جامعه را مانع بزرگی بر سر راه تجاوز به حقوق مردم و خودکامگی می‌دید و تعالیم اسلام را مایه تسهیل آن می‌دانست؛ تا آنجا که رفتار او برای تحقق وحدت در جامعه اسلامی هزینه‌هایی را برایش به دنبال داشت.

یکی از انگیزه‌های اصلی فعالیت‌های شهید بهشتی مسائل مربوط به آزادی است. او آزادی را رفتن در قید خداوند می‌دانست و آن را مهم‌ترین شعار اسلام معرفی می‌کرد. شهید بهشتی آزادی عقیده را امری طبیعی می‌دانست و بیان مسائل غیر اسلامی را تا جایی که زمینه برای نقد آن فراهم بود و برای مردم زمینه انتخاب را مهیا می‌کرد می‌پذیرفت، اما در عین حال بیان مطالب در بستری که منجر به لطمه زدن به اصول اسلامی و عفت جامعه شود را رد می‌کرد. همچنین تحقق جامعه اسلامی را در پرتو تدوین و اجرای قوانین اسلامی دست یافتنی می‌دید که مقدمه آن حاکمیت افراد صالح در جامعه بود.

آیت‌الله بهشتی(ره) بر این باور بود که با حاکمیت ولایت فقیه در جامعه و نظارت او می‌توان این قوانین را تدوین و اجرا کرد. رویکرد ایشان نسبت به غرب و شرق: شناخت آگاهانه، دیدن نکات مثبت و منفی و برتری تعالیم اسلام نسبت به ایده‌های این دو فرهنگ، عدم تسلیم و وابستگی و حفظ استقلال از آنان در تمام عرصه‌ها، برقراری روابط مفید با حفظ اصول، شفاف‌سازی مسئولان در مذاکرات و استفاده از ظرفیت‌های موجود در آن جوامع برای تبلیغ اسلام بوده است.

کتابنامه

- اژه‌ای، جواد، مصاحبه با مرکز اسناد انقلاب اسلامی، جلسه اول، نوار اول، شماره کاست: ۱۲۰۵، ۱۳۸۰/۹/۲۷.
- ایوبی‌پور، محمد و محمد رحیم عیوضی، «تعیین پیشران‌های تمدن‌سازی نوین اسلامی با رویکرد تحلیل تأثیر متقاطع»، دو فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دانشگاه شاهد، دوره ۲، شماره ۱، ۱۳۹۸، صص ۳۸۷-٤۰۰.
- بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله بهشتی، «بازشناسی یک اندیشه، یادنامه بیستمین سالگرد شهادت آیت‌الله دکتر بهشتی»، اصفهان: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و نشر بقعه، ۱۳۸۰.
- بهشتی، سید محمد، **آزادی، هرج و مرج، زور مداری**، بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله بهشتی، تهران: بقعه، ۱۳۸۱.
- بهشتی، علیرضا، مصاحبه با مرکز اسناد انقلاب اسلامی، جلسه دوم، شماره کاست: ۲۳۹۱، ۱۳۷۷/۲/۵.
- بهشتی، علیرضا، «شهید بهشتی و مدیریت بحران»، ماهنامه شاهد یاران، شماره ۸، ۱۳۸۵، صص ۲۸-۳۲.
- بهشتی، سید محمد، **اتحادیه انجمن‌های اسلامی در اروپا**، تهیه و تنظیم بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید دکتر بهشتی، تهران: بقعه، ۱۳۸٦.
- بهشتی، سید محمد، **بررسی تحلیلی از جهاد، عدالت، لیبرالیسم و امامت**، تهران: دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، ۱۳٦۱.
- بهشتی، سید محمد، **جاودانه تاریخ، آشنایی با افکار و اندیشه‌های شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی**، ج ۱-۳-٦، تهران: جمهوری اسلامی، ۱۳۷۲.
- بهشتی، سید محمد، **حزب جمهوری اسلامی (گفتارها، گفتگوها، نوشتارها)**، تهیه و تنظیم بنیاد نشر آثار و اندیشه شهید آیت‌الله بهشتی، تهران: بقعه، ۱۳۹۱، چاپ دوم.
- بهشتی، سید محمد، روزنامه اطلاعات، «سخنرانی آیت‌الله بهشتی در جمع بازاریان تهران»، ۱۳۵۸/۱۲/۲، ۱۳۵۹/۷/۲۷، ۱۳۵۹/٦/۹.
- بهشتی، سید محمد، روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۷/۱۹.

- بهشتی، سید محمد، **سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های آیت‌الله شهید دکتر سید محمد حسینی بهشتی**، تدوین محمدرضا سرا بندی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸٦.

- بهشتی، سید محمد، **سخنرانی‌های شهید مظلوم دکتر بهشتی**، تهران: سید جمال، بی‌تا.

- بهشتی، سید محمد، «آزادی در جامعه اسلامی»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳٦۲/۱/۲.

- بهشتی، سید محمد، «انتقاد سازنده از مسئولان در تمام سطوح برای همه آزاد است»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۱۱/۳۰.

- بهشتی، سید محمد، **سه گونه اسلام**، بنیاد نشر آثار و اندیشه شهید آیت‌الله بهشتی، تهران: بقعه، ۱۳۸٦.

- بهشتی، سید محمد، **مبانی نظری قانون اساسی**، تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید بهشتی، ۱۳۸۰، چاپ سوم.

- بهشتی، سید محمد، **مواضع تفصیلی حزب جمهوری اسلامی**، بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید بهشتی، تهران: بقعه، ۱۳۷۸.

- بهشتی، سید محمد، **موسیقی و تفریح در اسلام**، بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید بهشتی، تهران: بقعه، ۱۳۸٤.

- بهشتی، سید محمد، **نقش انبیاء و پیامبران در هدایت و عدالت**، تهران: ستاد برگزاری مراسم هفتم تیر، ۱۳٦۲.

- بهشتی، سید محمد، **ولایت، رهبری، روحانیت**، بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید بهشتی، تهران: روزنه، ۱۳۹۰.

- پیشگاهی‌فرد، محمد، مصاحبه با مرکز اسناد انقلاب اسلامی، جلسه سوم، نوار اول، شماره کاست: ۱۲۱۹٤.

- جمعی از اعضای حزب جمهوری اسلامی، مواضع ما، تهران: روزنامه جمهوری اسلامی، بی‌تا.

- دهشیری، محمدرضا و زهرا بهرامی، «مؤلفه‌های الگوی سیاست خارجی تمدن‌ساز»، دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دانشگاه شاهد، دوره ٤، شماره ۲، ۱٤۰۰، صص ۳۱-٥٦.

- رودسری، حسین، **الگوی حضور: نگاهی به سیره شهید بهشتی در عرصه تعلیم و تربیت**، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تهران: مدرسه، ۱۳۹۰.

- روزنامه جمهوری اسلامی، «بحث وجدان کاری و انضباط اجتماعی در اندیشه و عمل شهید بهشتی»، ۱۳۷۷/٤/۳.

- سرا بندی محمدرضا، **زندگی و مبارزات آیت‌الله شهید دکتر سید محمد حسینی بهشتی به روایت اسناد**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷.

- شعبانی، امامعلی، **تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات شهید بهشتی**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷.

- شعاع حسینی، فرامرز، **بهشتی از زبان بهشتی**، با مقدمه سید محمد حسینی، تهران: کار آفرینان فرهنگ و هنر، ۱۳۹۲.

- شیر علی نیا، جعفر، **روایتی از زندگی و زمانه آیت‌الله سید محمد حسینی بهشتی**، تهران: سایان، ۱۳۷۹.

- صنعتی، رضا، **گفتمان مصباح**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹، چاپ دوم.

- مؤمنی، فرشاد «پدر خواندگی شهید بهشتی»، ماهنامه نسیم بیداری، شماره ۳۲، ۱۳۸۹، صص ٤۸-٥۱.

- واحد فرهنگی بنیاد شهید، «او به تنهایی یک ملت بود»، تهران: بنیاد شهید، ۱۳٦۱.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی